

نگاهی به ایجاد شورای حراست و ثبات افغانستان

سرمقاله

اما و اگرها در مورد شورای حراست و ثبات افغانستان

حفیظ الله ذکی

پس از ماهها بحث و گفتگو شماری از رهبران جهادی «شورای حراست و ثبات افغانستان» را ایجاد کردند. هدف این شورا ایجاد اصلاحات و جلوگیری از فروپاشی نظام کنونی افغانستان اعلام شده است. امسال سال دشوار و پر تلذذاتی برای مردم افغانستان به شمار می آید. در این سال ۱- جنگ از مناطق جنوبی به سوی شمال کشور کشانیده شد، ۲- گروه داعش به عنوان یک تهدید جدی و جدید در افغانستان ظاهر شد. ۳- طالبان با قدرت، امکانات و انگیزه های بیشتر وارد کار و زار جنگ در افغانستان گردید.

خروج نیروهای خارجی از افغانستان و سپردن تمامی مسؤولیت های امنیتی به نیروهای داخلی از یک طرف و برگزاری انتخابات پرچنجال ریاست جمهوری و انتقال قدرت از حکومت قبلی به حکومت جدید از سوی دیگر در باز تولید ناامنی ها در افغانستان نقش داشته است. اگر چه ابعاد مسایل امنیتی افغانستان با توجه به عقبه های خارجی و اعضای آن بسیار پیچیده و ابهام آمیز بوده است؛ اما در سال جاری کشورها و سازمان های خارجی نیز امیدوار شدند که با خروج نیروهای بین المللی و روی کار آمدن حکومت وحدت ملی، زمینه ها و بستری های بیشتری برای تضعیف نظام سیاسی در افغانستان فراهم گردیده است. از این رو حامیان خارجی گروه های طالبان و شبکه حثانی و سایر گروه های تروریستی علاقه مندی پیدا کردند، تا با تمام قدرت و امکانات خود برای سقوط دولت افغانستان تلاش نمایند. در نگرش همه این مسائل ضعف تصمیم گیری، فقدان هماهنگی و تداخل کاری در ارگان های امنیتی نیز بر تشدید جنگ و نا امنی در کشور کمک کرد.

در شش ماه گذشته طالبان از روستاها به شهرها و از ولسوالی ها به مراکز ولایت ها حمله بردند و برای نخستین بار طی یک و نیم دهه گذشته ولایت کنده در مدت چند ساعت به دست طالبان افتاد و تسلیحات و امکانات زیادی از این ناحیه نصیب طالبان گردید. این حمله طالبان سبب ترس و هراس مردم از وضعیت امنیتی در کشور گردید. موج جدید از مهاجرت شهروندان به اروپا نیز بیشتر به همین نگرانی ها ارتباط می گیرد. درست است که یکی از دلایل فرار جوانان از کشور را نبود کار و شغل مناسب تشکیل می دهد؛ اما اگر امنیت در کشور تأمین می بود، مردم به بهبود وضعیت کار و اشتغال امیدواری می شدند و به این آسانی به ترک کشور رضایت نمی دادند؛ اما تشدید نا امنی نهال امید شهروندان را از ریشه خاکستر کرد و هیچ گونه خوشبینی را برای آینده باقی نگذاشت.

برخی رهبران جهادی که تا آن زمان در چوکات حکومت وحدت ملی جایگاهی برای شان تعریف نشده بودند و از سوی دیگر در حکومت قبلی در مقامات بالای حکومتی جای داشتند، بار دیگر به تدویر جلسات هماهنگی میان مجاهدین سابق پرداختند و در نهایت تشکیل شورای عالی مشورتی را به رییس جمهور پیشنهاد کردند. ولی بعدا اینها شورایی را تحت عنوان «شورای حراست و ثبات افغانستان» تشکیل دادند که اخیرا به صورت رسمی اعلام موجودیت کرد. اعضای شورا از کسانی هستند که در جریان جنگ علیه اشغال افغانستان توسط نیروهای شوروی سابق، فرماندهی نیروهای مجاهدین را در دست داشتند.

اعضای این شورا تأکید می کنند که طرفدار سبزه گونی نظام نیستند، بلکه در صدد اصلاح نظام هستند. از نظر آنها اکنون کشور به مرحله ای رسیده است که توان مقابله با بسیاری از مشکلات را ندارد و نیاز به حمایت و کمک دارد و مجاهدین نیروی توانمندی اند که کشور را از شغال نجات دادند و سبب به وجود آمدن کشور دموکراتیک در کشور گردیدند. اعضای این شورا روی این مسأله نیز تأکید کردند که آنها نمی خواهند به قدرت و وزارت برسند؛ بلکه می خواهند در حکومت اصلاحات به وجود بیاورند و به نیروهای امنیتی کمک کنند.

تا هنوز روشن نیست که آیا این شورا در چوکات دولت و با بودجه دولت، فعالیت می کنند و یا به صورت مستقل می خواهند کارهای خود را به پیش ببرند؟ از آنجایی که هدف اینها تشکیل نیروهای مردمی متشکل از مجاهدین سابق است؛ پس این شورا صرف کارکرد سیاسی ندارد؛ بلکه کارکرد نظامی نیز دارد. این شورا در آینده دارای دهها هزار نیروی شبه نظامی در کشور خواهد بود. حال سؤال این است که این نیروها از کی فرمان خواهند برد؟ حکومت و با شورای حراست و ثبات؟ آیا در کشوری که میان دو نفر اعتماد لازم وجود ندارد، حکومت می تواند روی صداقت این شورا اعتماد کند؟ آیا این شورا نمی تواند در آینده دره ساز باشد و خود به تهدید کننده امنیت و ثبات در کشور تبدیل شود؟

دیروز، شورای حراست و ثبات افغانستان اعلام موجودیت کرد. اعضای این شورا را عبدالرب رسول سیاف، محمد یونس قانونی، معاون اول حامد کرزی، عبدالهادی ارغندوال، وزیر سابق اقتصاد، بسیم الله محمدی، وزیر سابق دفاع، عبدالروف ابراهیمی، رئیس مجلس نمایندگان، محمد اسماعیل خان، وزیر سابق انرژی و آب و عمر داوود زی، وزیر پیشین داخله می باشد. جناب، ابراهیمی و قانونی ایجاد این شورا را حراست از ثبات و نظام کنونی افغانستان اعلان کرد. آن ها وضعیت کنونی کشور را خطرناک توصیف کرده و بیان داشتند که وضعیت کنونی کشور ممکن موجب سقوط نظام و فروپاشی نظم کنونی گردد. مسئله صلح، برگزاری شورا های ولایتی و ولسوالی از دیگر اهداف این شورا مطرح شد. چند نکته اساسی و بنیادی در ارتباط با این شورا

اول: مهمترین نکته اساسی و جدی این است که مهمترین اعضای این شورا پست های مهم در حکومت قبلی را اشغال نموده بود. با روی کار آمدن حکومت وحدت ملی و گسترش مشکلات عمومی دیدگاه های بر این محور می چرخید که حکومت وحدت ملی برخی مشکلات همانند ناامنی، کاهش رشد اقتصادی، بی ثباتی و ... را از حکومت قبلی به میراث برده است. این نظر بیشتر از جانب کسانی ابراز می شد که در چارچوب حکومت جای گرفتند. بسا این حال اگر از حق نگذریم حکومت وحدت ملی برخی مشکلات را از حکومت قبلی به ارث بردند. حال سوال این است که اعضای کنونی شورا همانند سیاف، قانونی، ابراهیمی، عمر داوود زی، اسماعیل خان در دوران کاری خود برای حل مشکلات مردم چکار کردند که اکنون می خواهد از ثبات و نظام کنونی حراست نماید. آیا در دوره که این ها مهمترین پست های دولتی را اشغال کرده بود، صلح برقرار بود و روند صلح بهتر از وضعیت کنونی دنبال می شد؟ آیا انتخابات شوراها و ولسوالی در

علی قادری



زمان این ها برگزار شد. کدام یک از این ها، در دوره کاری خود روند صلح را نقد نمودند و یا از برگزاری انتخابات شورا های ولسوالی ها مهم در حکومت قبلی را اشغال نموده بود. با روی کار آمدن حکومت وحدت ملی و گسترش مشکلات عمومی دیدگاه های بر این محور می چرخید که حکومت وحدت ملی برخی مشکلات همانند ناامنی، کاهش رشد اقتصادی، بی ثباتی و ... را از حکومت قبلی به میراث برده است. این نظر بیشتر از جانب کسانی ابراز می شد که در چارچوب حکومت جای گرفتند. بسا این حال اگر از حق نگذریم حکومت وحدت ملی برخی مشکلات را از حکومت قبلی به ارث بردند. حال سوال این است که اعضای کنونی شورا همانند سیاف، قانونی، ابراهیمی، عمر داوود زی، اسماعیل خان در دوران کاری خود برای حل مشکلات مردم چکار کردند که اکنون می خواهد از ثبات و نظام کنونی حراست نماید. آیا در دوره که این ها مهمترین پست های دولتی را اشغال کرده بود، صلح برقرار بود و روند صلح بهتر از وضعیت کنونی دنبال می شد؟ آیا انتخابات شوراها و ولسوالی در

نیرو های شوروی می توان دفاع کرد ولی جنگ های درونی میان مجاهدین و اشغال کردن نهاد های حکومتی در دوره بسا طالبان از سوی مجاهدین در هیچ صورتی قابل دفاع نیست. سوم: در وضعیت کنونی آنچه وضعیت را وخیم می سازد اظهارات برخی سران حکومت قبلی و مجاهدین است. برخی از سران حکومت قبلی و اعضای شورای حراست و ثبات افغانستان کشور را برده ای دهد. حکومت کنونی در صدد حل مشکلات فراروی روابط افغانستان با پاکستان است. اما اظهارات این ها باعث وخیم شدن روابط میان دو کشور می شود. به صورت مشخص در زمان که رئیس جمهور غنی به اسلام آباد به سر می برد و در نشست قلب آسیا سخنرانی می کرد اعلامیه صادر کرد که یک سوم خاک پاکستان را به افغانستان نسبت داده بود. این اعلامیه بدون شک، اعلامیه پراودکس عمل می کند نیازمند آیم که یک اپوزیسیون هستیم که حکومت را از رفتن به راه منحرف باز دارد.

آیا رسانه های صوتی و تصویری می توانند در عرصه تعلیم و تربیه نقش مؤثر داشته باشند؟

محمد صادق ایثار - دانشجو دوره ماستری رشته ژورنالیزم - دانشگاه ملی قزاقستان - الفارابی با همکاری: Aigerim Alzhanova

لازم در این عرصه نه گذارند افکار و استعدادهای نسل بعدی کشور به هدر برود.

برخی از ابعاد تربیتی تلویزیون قرار ذیل است: ۱- اعطای بینش: یکی از ابعاد کارکرد تربیتی تلویزیون، القای بینش هایی است که از این رسانه منعکس می شوند. مخاطبان تلویزیون، در اثر استفاده از برنامه های آن به دانش ها و بینش های نشر شونده از تلویزیون دست پیدا می کنند. گفته می شود که روند یادگیری و کسب معرفت از تلویزیون، در بیشتر وقت ها فارغ از قصد و نیت بیننده تحقق پیدا می کند. افراد به ویژه کودکان، بیشتر برنامه های تلویزیون را همچون سرگرمی نگاه می کنند. نه به قصد کسب دانش و معرفت. ولی در عین حال، روند کسب دانش و بینش از تلویزیون، به صورت ناخودآگاه به وقوع می پیوندد.

کسب دانش و بینش مخاطبان از تلویزیون چه آگاهانه باشد و چه ناآگاهانه، نشانگر موقعیت مهم تلویزیون در اعطای بینش های تازه به بینندگان با تغییر اعتقادات آنان است. در مواردی که رسانه تلویزیون، به القای بینش های خاص، همچون رسالتی برای خودش بنگرد، عمق و گستره تأثیر تلویزیون در این جهت، بیش از موارد دیگر خواهد بود. امروزه تلویزیون هایی که با این هدف برنامه بخش می کنند، رشدی فزاینده دارند.

۲- ایجاد تمایل: تأثیر تربیتی تلویزیون بر افراد، بیشتر به صورت چند بعدی به وقوع می پیوندد. یکی از ابعاد آن، تأثیر برنامه های این رسانه بر تمایلات مخاطبان است. محتوای تلویزیون، فضاقت های خاصی را به مخاطب القا می کند که مواردی از آن به صورت عقیده برای مخاطب درمی آید. تردیدی نیست که پیام های رسانه تلویزیون، در انتقال تمایلات خاصه خنثی عمل نمی کند، بلکه دربردارنده تمایلات خاصی برای مخاطب است. از طرف دیگر، پیام های تلویزیون زمانی تأثیرگذار است که زمینه های روانی و اجتماعی آن برای مخاطب فراهم شود. بخش زیادی از برنامه های تلویزیون، سبک و سیاق عاطفی و انگیزشی دارد. از این رو، همیشه تلویزیون با تمایلات مخاطب درگیر است. از آن جا که بخش زیادی از مخاطبان تلویزیون کودکانند، تغییر تمایلات مخاطبان و ایجاد تمایلات تازه در آنان هم تشدید می شود و هم با سهولت انجام می پذیرد.

۳- معرفی الگوهای رفتاری: تأثیر تربیتی تلویزیون، تنها در بخش های فکری و تمایلات خلاصه نمی شود، بلکه در حیطه عمل هم، راه و روش خاصی را برای مخاطبانش عرضه و معرفی می کند.

مردم صعود و نزول میکنند، بلکه واقعیت این است که این منافع دولتها و سیاستهای حکومتها است که جهت فعالیتهای رسانه ای را مشخص نموده و آن را با توجه به سیاستهای هر دولت و حکومت، در عرصه های گوناگون تقویت و یا تضعیف میکنند. پرسش اصلی این است که چرا رسانه های افغانستان، به ویژه تلویزیونها، در چند سال اخیر می که در برخی از عرصه ها درخشش قابل توجهی داشته، از نقش مؤثری که در عرصه تعلیم و تربیه میتواند بازی کند تا حدود زیادی غافل مانده و چنانکه باید و شاید، مؤثر واقع نه گردیده؟ و اینکه چگونه میتواند از تلویزیون به عنوان یکی از برطرف دار ترین بخش رسانه ها، در روند تعلیم و تربیه درست نوجوانان و کودکان بهره برد، بدون این که چیزی از برطرف دار بودن و جذاب بودن، آن در میان توده های جامعه کاسته شود؟ رسانه ها، به ویژه تلویزیون میتوانند در روند رو به رشد تعلیم و تربیه کشور نقش فوق العاده مؤثری را بازی نموده و افکار عامه و به خصوص نوجوانان و کودکان را در این عرصه سمت و سوی درست و کارا دهند. تلویزیون یکی از وسایل ارتباط جمعی است که از قدرت زیادی در عرصه ارتباط اجتماعی برخوردار است و به خانههایی که نوجوانان و کودکان کم سن و سال در آنها زندگی می کنند، به سرعت نفوذ می کند. حضور گسترده تلویزیون از نظر کمی در منازل، داشتن تصویر، وجود شبکه های متعدد برای بخش برنامه های متنوع، سهولت الوصول و ارزان بودن آن نسبت به برخی از وسایل ارتباط جمعی دیگر، به تلویزیون در میان وسایل ارتباط جمعی ممتازی بخشیده که از این جهت، نظر محققان را به خود جلب کرده است.

تلویزیون منبع مهمی در تولید ارزش های اجتماعی، ایدئولوژی ها و دیدگاه هاست. ظرفیت این رسانه در انتقال سریع و ساده شبکه های گوناگون و به ویژه پیامهای تعلیمی و تربیتی، استفاده از آن را برای طیف وسیعی از مخاطبان اعم از کوچک و بزرگ، فراهم کرده است.

محققین معتقدند کودکان بیش از دیگر مخاطبان از تلویزیون تأثیر می گیرند. افکار عامه عموماً پیدا نموده، قطعاً از توجه و حمایت همه جانبه دولتها برخودار می باشد و دولت مردان از این ستون جدید قدرت برای تحکیم حاکمیت خود استفاده عظمی میکنند. بناً ساده اندیشی خواهد بود اگر گمان کنیم که فعالیت رسانه ها به گونه خود جوش و با توجه به نیازهای

بکشایش. اگر هدف مندی و احساس مسؤولیت وجود داشته باشد، میتوان با همین هزینه های اندک و در همین شرایط نا هموار کشور، جرقه انقلاب بزرگ تعلیمی و تربیتی را زد و فراموش نه کنیم که بیشترین نیاز مردم مان در حال حاضر در مقایسه با سایر مشکلاتی که با آن دست و پنجه نرم میکنیم، مسأله رشد و جهت دهی مناسب عرصه تعلیم و تربیه میباشد.

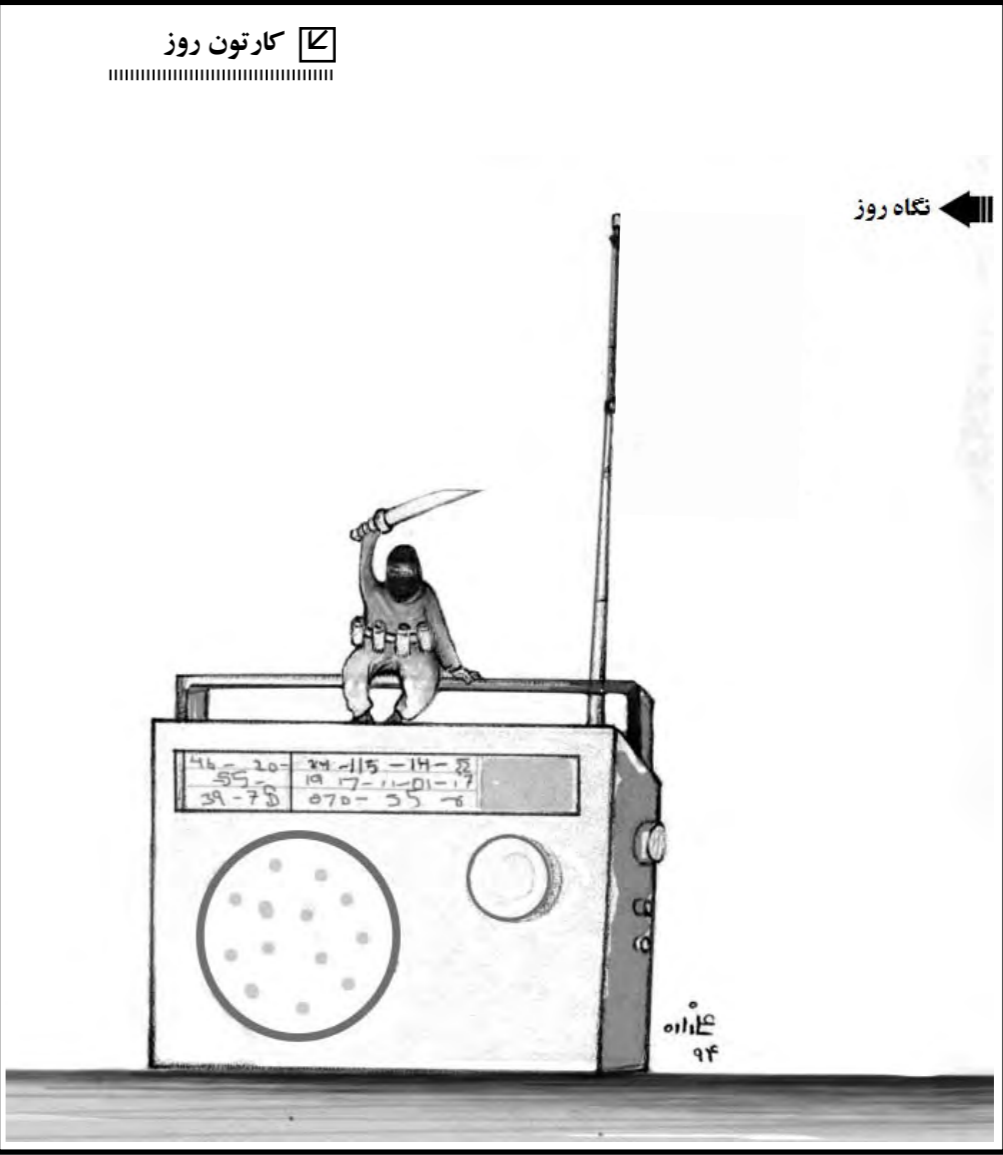
بدون شک یکی از دستاوردهای بزرگ دولت افغانستان پس از حاکمیت طالبان؛ گسترش سریع فعالیت های رسانه ای میباشد. دولت جدید افغانستان در ۱۵ سال و چهار دوره فعالیت اش تا کنون تلاش نموده پیشتر از هر عرصه ای دیگری از عرصه های زندگی اجتماعی مردم، رسانه ها را تقویت نموده و آن را با معیارهای بین المللی سازگار نماید. این تلاشهای دولت هر چند در برخی از بخشهای فعالیت رسانه ای موفقیت آمیز بوده و دستاوردهائی نیز در پی دارد؛ چنانچه بخشهای خبری، گزارشاتی که از محل حوادث تهیه میشود، گزارشهای تحلیلی، میزگردهائی که برای تحلیل مسائل سیاسی دایر میگردد، پوششهای ویژه خبری وغیره... اینها مواردی است که رسانه های افغانستان در آن سیر صعودی و قابل توجهی داشته و میتوانند از جمله دست آوردهای دولت در عرصه مطبوعات کشور به حساب آید.

اما پرسش اصلی که در این خصوص مطرح میباشد این است که چرا رسانه های افغانستان تنها در همین چند مورد به خصوص، که اکثراً عرصه سیاسی میباشد، مهارت بیشتر پیدا نموده و در سائر عرصه ها؛ با هیچ گونه فعالیت چشم گیری وجود ندارد و با اگر هم وجود دارد، عموماً فعالیت های تقلیدی و نسخه برداری از رسانه های بیرونی بوده و هیچ ابتکار عملی که برخاسته از واقعیت ها و نیازهای عینی جامعه افغانی باشد در آن به چشم نمی خورد؟ مانند سیل عظیمی از موسیقیها، فیلمها، سریالها و سانسر برنامه های اجتماعی.

روشن است که با توجه به اهمیت و نقش بسیار بزرگی که رسانه ها در جهت دهی افکار عامه پیدا نموده، قطعاً از توجه و حمایت همه جانبه دولتها برخودار می باشد و دولت مردان از این ستون جدید قدرت برای تحکیم حاکمیت خود استفاده عظمی میکنند. بناً ساده اندیشی خواهد بود اگر گمان کنیم که فعالیت رسانه ها به گونه خود جوش و با توجه به نیازهای

پیش از اینکه به نقش تلویزیون در کمک به روند تعلیم و تربیه جوانان و نوجوانان بپردازیم، بهتر است مختصراً به نیاز شدیدی که جامعه افغانستان به عرصه تعلیم و تربیه دارد و همچنین چگونگی فعالیت مؤسسات تعلیمی و تربیه وی کشور اشاره ای داشته باشیم.

هر چند معارف افغانستان در چند سال اخیر دستاوردها و پیشرفتهای چشمگیری داشته؛ پذیرش بیش از شش و نیم میلیون شاگرد در مکاتب افغانستان در ذات خود «بزرگترین دستاورد» کشور در زمینه تعلیم و تربیه محسوب میگردد و حضور این عده شاگرد در مکاتب افغانستان در تاریخ تعلیم و تربیه این کشور بی سابقه است، اما در عین حال باید در نظر داشت که رشد میزان تعلیم و تربیه در یک کشور تنها در افزایش جلب و جذب کودکان به مکاتب خلاصه نمی گردد. حضور شاگرد در مکتب و صنف درسی یک مرحله به شمار رفته و مهمتر از آن؛ بارور ساختن اوقات شاگردان در داخل مکتب و زمینه



صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله ذکی

کارکنان: خالق علی زاده

دبیران: علی اصغر زاہدی، مصطفی جعفری
مسول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷

افغانستان The Daily Afghanistan Outlook AFGHANISTAN

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com